

## یک سلسله اسناد تاریخی

اظهار گذارشات و حرکتهای خلاف عهدنامه همایون وقاعدۀ نظام بین‌الدولتین علیتین ایران و روسیه که از سنه هزار و دو بیست و بیست و هشت الی سنه هزار و دو بیست و چهار و دو از سرداران سرحدنشین دولت روسیه اتفاق افتاده است اظهار میشود در سنه هزار و دو بیست و بیست و هشت و در بیست و نهم ماه شوال‌المکرم مطابق تاریخ عیسوی هزار و هشتصد و سیزده در دوازدهم ماه اوکدمبر در اوردوی گلستان که جنرال اردیشوف سردار گرجستان و میرزا ابوالحسن خان ایلیچی دولت علیه ایران که اختیار تمام از هر دو دولت داشتند و با رساوتت سرگروزلو ایلیچی دولت انگریز مراتب مصالحه را بین‌الدولتین علیتین ایران و روسیه در بنای ایسدا دیسکوا برزندم مضبوط و برقرار شده سرحد بین‌الدولتین رامشخص نمودند ولیکن چنین مشخص نمود که طرفین حد حدود و نشانگله خود دانسته باشد بریز تصحیح و تقشیش ماند و علاوه بر این طوریکه اساس مصالحه باتفاق دوستی دولتین را بیشتر مضبوط کردن بر عهد نامه همایون چنین قرار دادی هر شد که اگر سرحدنشینان طرفین نتوانند آن جایهائی مشخص شده را شناختن و یابی اتناقی ام لجاجتی در باب خط سرحدات در میان آنها سر بدهد آنوقت اگر سپاه حاضرۀ سرحدات ایران و اگر سپاه حاضرۀ سرحدات روسیه را بموجب ایسدا دیسکوا برزندم در همان تاریخ و در همان روزیکه مراتب مصالحه را بین‌الدولتین مضبوط و برقرار شد در هر جائیکه بودند جا بجا باشند بعد از چنین ترتیبا و قرار دادها با رضای طرفین عهدنامه همایون تمام و بامهر مبارک دولتین علیتین مهور و نگه داشته شد بعد از

این گذارشات مدتی نگذشت که حرکت خلاف عهدنامه از جانب جنرال اردیشوف مذکور صادر شد که غفلتاً سپاهی بطرف ولایت طالش فرستاده محالات گرمی سفیددش الی زر و غیره بزور تصرف نمودند و غیر از آن در سمت ایروان از طرف کوچکجه مجالزار و زیل نومان نخجوان و تمامی کونی کوچکجه ایروان را هم ضبط نمودند که بدفعات جهاهی مذکور را از جنرال مزبور طلب نمودیم وفا بوعده نکرد تا وقتیکه جنرال مزبور از سرداری گرجستان معزول بجای او جنرال یرملوف منصوب گردید و در آنوقت گذارشات اتفاقیه را با اظهار کرده ولایات متفرقه را از آن طلب نمودیم ولیکن آنهم بهمان طریق گذرانید بعد از گفتگوی بسیار که بین امنای ایندولت و مزاروویچ مصاحبت گذار آندولت اتفاق افتاد چنین قرار دادی شد که مصاحبت گذار مذکور بجنرال مزبور گذارش را به تفلیس بنویسد که آن از جانب خودمهندس کامل تعیین کرده و از اینجانب هم کذالك تعیین نمودند که برسر سرحد رفته و با تصحیح تمام و بموجب عهدنامه خط سرحدات را مشخص کرده تا بالمره قیل و قال سرحد نشینان رفع شود و اگر خط سرحدات را مشخص نکنند پس بموجب ایسدادیسکو ابرزندم ولایتهای که خلاف عهدنامه تصرف کرده اند رد نموده همه جا بجا هر چند مصاحبت گذار مذکور گویا باین طریق بجنرال مزبور نوشته اظهار کرد لکن بجائی نرسید من بعد از جانب سرکار نواب نایب السلطنه میرزا مسعود نامی یکی از میرزایان متشخصین میرزایان دفتر خانه مهندس و بزبان فرانسه آشنا و بلد با مراسله دوستانه به نزد جنرال مزبور روانه تفلیس نمودند و باز تکلیف بتعیین کردن مهندسان و مشخص ساختن سرحدات نمودند و بعد از رسیدن میرزای مزبور به تفلیس

جواب جنرال مذکور چنین شده بود که امسال ما فرصت این امر نداریم باشد بسال آینده بعد از مراجعت میرزای مزبور تکرار بنا و گفتگویی بین الامنا و مصلحت گذار شد و مکرراً نوشتجات در این باب بجنرال مزبور ارسال کردند که صلاح طرفین میباشد که این امر پیش از زیاد شدن فساد طی بکنید گوش و قبول نکردند مجمل گذاشتند تا که میان ما و روم محاربه اتفاق افتاد در هنگام جنگ جنرال مذکور آنحینکه لازمه ذمه او بود که میبایست بموجب دوستی دولتین در چنین وقت ضرور حقوق را اجرا نکند او را مرعی نکرده و بر کنار گذاشته و بر عکس او سپاهی باتوپ بطرف رودخانه چقندر فرستاده زور کی مجال مزبور را ضبط نموده نشستند و چند نفر از اهل ایران که در حین رسیدن سپاه روسیه به مجال مذکور جنگ کرده کشته شدند و بعد از این بنا بر رفتار دیگر بخواتین قراباغ و شیروان و غیره گذاشته که بموجب عهدنامه خوانین مذکور در آنجاها جابجا بودند از یکطرف در گونه گون ترس و بر احتیاط کلمی مذکور انرا انداخته و از طرف دیگر گریز را در پیش چشم مذکوران و ازو بی احتیاط نشان داده بدرجه مزبوران با احتیاط تمام اساده لابدولعلاج بی هم دیگر با یک اسب و قمچی گریزان بدر خانه نواب نایب السلطنه بناه آورده ماندند و جنرال مذکور بعد از گریز آمدن مذکوران آنچه مال و املاک و خزینه های او جاق قدیمی خوانین مزبور که از مدتهای مدید ابانجند جمع شده بود ضبط نمودند بعد از این گذارش و حرکات عجایبات جنرال مذکور که ظاهر شد امنای دولت در تعجب مانده باز بنا بگفتگو با مصلحت گذار آندولت گذاشته چنین قرارداد کردند که جمیع این گذارشاترا خود مصلحت گذار مذکور بدرامپراطور روسیه اظهار سازند هر چند مصلحت گذار مذکور

در خصوص امنای ایندولت نگردن گرفت لیکن اثری در این باب  
 بما اظهار نه شد فیما بعد چنین صلاح دیدند که محمد حسین خان  
 ایشیک آقاسی سرکار نواب نایب السلطنه مرا با میرزا رضا مهندس  
 باجهان نمائی سرحدات و با رقم دولتی روانه تفلیس به نزد جنرال  
 مذکور سازند و بایشیک آقاسی چنین دستورالعمل هم داده شد که  
 اگر باز جنرال مذکور مثل اوایل نخواهد که امر را از هم بگذراند  
 از آنجا در خانه امپراطور رفته و گذارش را اظهار کرده طی بکند  
 بعد از رسیدن خان مذکور بیکمنزلی شهر تفلیس جنرال مزبور از  
 شهر بیرون رفته به سمت دیگر عازم شد و بعد از ورود خان مزبور  
 به تفلیس جنرال ولمینوف که نایب جنرال یرملوف باشد خان را  
 در جای بیحرمتی منزل داده و بی هم عقب خان آدم مرستاده کاغذها  
 را طلب نموده است خان مشارالیه لابد مانده کاغذها را برداشته به  
 نزد نایب مزبور رفته است بعد از ملاقات کاغذهای لازمه را از خان  
 گرفته جوابی داده است که چون خود جنرال یرملوف در اینجا  
 تشریف ندارد لازم است که شما بایران مراجعت نمائید و این کاغذها  
 را من بجنرال میرسانم آنچه جوابی دهد بخدمت نواب نایب السلطنه  
 خواهم فرستاد خان مومی الیه هر چند سعی نموده که باوردوی خود  
 جنرال یرملوف رفته و بموافق فرموده امر را صورت داده ممکنش نشده  
 به سببیکه نایب مذکور باو راه نداده سهل است و بیش از سه روز  
 در آنجا نگاه نداشته بی عزت روانه اینطرف کرده بود

### چند دست !

وقتی در پاورقی های روزنامه مان پاریس رمائی چاپ میشد  
 باسم Aenigma و این چند سطر از آن کتابست : « ماریوس یک  
 دست بکمر زده بود ، بادست چپ دسته کارد را دور دست خود می  
 گرداند و بادست راسته ریش خود را شانه میکرد ! »